

پژوهش‌های تکراری، نتیجه غفلت از پیشینه تحقیق

محمد افشین وفایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

بررسی دقیق پیشینه پژوهش از الزامات کار پژوهشگر است. منتقدی با تلاش بسیار نکته‌ای را در انتساب اثر به یک مؤلف کشف و منتشر می‌کند؛ اما پس از اندک زمانی درمی‌یابد که اگر دایره بررسی‌هایش را گسترده‌تر می‌کرد، پاسخ مسئله تحقیقش را می‌یافت و خود را از جست‌وجو و تلاش بی‌نیاز می‌دید. از نمونه‌های این نوع پژوهش‌ها که این روزها - با وجود دسترسی آسان به منابع - گریبان‌گیر محققان به‌ویژه جوان‌ترها شده، مقاله‌ای است با نام «*حتم الغرائب* خاقانی و مثنوی سرگردان» از ابهام در عنوان که بگذریم فشرده یافته‌های مقاله از این قرار است:

۱. انتساب *حتم الغرائب* به خاقانی درست نیست.
 ۲. این متن به *مصباح الارواح* منسوب به اوحدالدین کرمانی (د. ۶۳۵) شباهت زیادی دارد و تقلیدی از آن است.
 ۳. متن سروده نیمه یا اواخر قرن هفتم است.
- یافته نخست مقاله درست است؛ اما سه سال پیش از انتشار این مقاله، پژوهشگری این موضوع را مطرح کرده بود و متأسفانه نویسندگان از آن آگاهی نداشتند. شفיעی کدکنی در دوجا درباره *حتم الغرائب* سخن گفته است:

الف) تعلیقه بر بیت ۱۷۴ *الهی نامه عطار* (تهران: سخن، ۱۳۸۵: ۴۹۶) که درباره «کره خاک تنگ میدان» بحث کرده و با استناد به *ختم الغرایب*، این مثنوی را سروده شمس الدین محمد بردسیری (د. قبل از ۶۱۸ ه. ق.) شاعر معاصر عطار دانسته است.

ب) مقدمه *مصیبت نامه* (تهران، سخن: ۱۳۸۶: ۶۰) که در آنجا آمده است: *ختم الغرایب* «به دلایل زیاد سروده شمس الدین محمد بردسیری است و مقاله‌ای درین باب نوشتیم که به زودی نشر خواهد شد».

یافته دوم یعنی شباهت *ختم الغرائب* به *مصباح الارواح* را نیز همان محقق پیشین یعنی شفیعی کدکنی طرح کرده و نشان داده است که مثنوی *سرگردان* به قبل از ۶۱۸ ه. ق. تعلق دارد و نه نیمه قرن هفتم.

اما خطای آشکار نویسندگان مقاله در انتساب مثنوی *مصباح الارواح* به اوحدی کرمانی نیز ناشی از عدم مراجعه به تحقیقات پیشین است. ایشان در پژوهش خود به اطلاعات *تاریخ ادبیات* صفا بسنده کرده‌اند. اما می‌دانیم که سال‌ها پیش فروزانفر در مقدمه *مناقب اوحدالدین* (تهران، سخن: ۱۳۴۷: ۵۰-۵۵) درباره نادرستی این انتساب بحث کرده و مثنوی *مصباح الارواح* را با نام شمس الدین محمد بردسیری (۱۳۴۹) منتشر کرده است. در واقع نویسندگان مقاله با مراجعه به آثار نه‌چندان معتبر، برای نشان دادن شباهت سبک اوحدی با *مصباح الارواح* و خاقانی تلاش کرده‌اند.

موضوع دیگری که نویسندگان مقاله طرح کرده‌اند، شباهت *مصباح الارواح* با *کمدی الهی* دانته است که سال‌ها پیش ویلهلم بارتولد (۱۹۳۰-۱۸۶۹م) ایران‌شناس روسی در *دایرةالمعارف اسلام* (۳/ ۱۰۶۲) به آن اشاره کرده است.

این روزها که در نتیجه اشرف نداشتن بر پیشینه تحقیق، نگارش مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی با موضوعات مشابه و تکراری رواج یافته است، پیوسته باید گوشزد کرد که آشنایی با پیشینه تحقیق، ارزیابی پژوهش‌های پیشین، مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش تحقیق است. غفلت از این مهم اگر پژوهشگر را در موضع اتهام به سرقت در پژوهش قرار ندهد، دست‌کم حاکی از کم‌اطلاعی و اشرف نداشتن وی بر موضوع تحقیق است. در پیشگیری از چنین جریانی، نقش سردبیران نشریات و مدیران گروه‌های آموزشی در

نظارت جدی و علمی بر داوری‌ها و بررسی دقیق جوانب تحقیق چشمگیر است و نباید از یاد برد که مسئولیت نهایی در انتشار و تأیید پژوهش‌ها بر عهده ایشان است.

پی‌نوشت

۱. «ختم‌العرائب خاقانی و مثنوی سرگردان». نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز. س ۵۲. ش ۲۰۹. بهار و تابستان ۱۳۸۸. صص ۲۳-۲۷.

